

دکتر یوسف متولی حقیقی

استادیار گروه تاریخ

دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد

شاهنامه‌ای که پایانش خوش نبود **«بررسی یک متن تاریخی دوره قاجاریه»**

چکیده:

فتحعلی خان صبای کاشانی ملک الشعرا دربار فتحعلی شاه به دستور دومین پادشاه قاجار مأمور تدوین تاریخ جنگهای اول ایران و روس در قالب مجموعه ای منظوم شنشمه نامه محصول این مأموریت بود. اگرچه به رغم ادعای سراینده این مجموعه از معاصرینش، این سروده نتوانست با سایر شاهنامه ها و به ویژه شاهنامه فردوسی در زمینه های شعری و حماسی رقابت کند اما توانست نگرش رسمی دربار قاجار به کشور رسید و جنگ با این کشور را تا حدود زیادی نمایان سازد، این مجموعه که در فاصله سالهای ۱۲۲۸ تا ۱۲۳۱ قمری سروده شد فقط سالهای اولیه جنگ را تا مقطعی که پیروزی نسبی برای ایرانیان حاصل شد، دربرمی گیرد. یکی از دلایل اصلی این امر آن بود که صبا می خواست سروده خود را در جایی به پایان برساند که آخرش خوش باشد و واگر تاریخ این جنگ ها را به پایان می رساند و شکست های ایران را یادآور می شد شاهنامه اش پایانی خوش نمی یافت.

کلید واژه ها: ایران ، روس ، جنگ های ایران و روس ، فتحعلی شاه ، فتحعلی خان صبا

سروده های حماسی در میان ادبیات منظوم پارسی جایگاه ویژه ای دارند. شاهنامه های فراوانی را با توجه به مضامین اسطوره ای و تاریخی آنها می توان در رأس اینگونه سروده ها جای داد. این قبیل آثار با توجه به محتوای خود می توانند به عنوان یکی از منابع مهم در پژوهشهای تاریخی مورد توجه قرار گیرند. جدا کردن مرز اسطوره و تاریخ و به کناره دادن خیالبا فهای شاعرانه برخی از پدیدآورندگان این سروده ها در کنار مطابقت مضمون آنها را با منابع هم عصر خود، لازمه استفاده از آنها ، به عنوان یک منبع تاریخی می باشد. در میان شاهنامه های پارسی ، سروده حکیم ابوالقاسم فردوسی چه از نظر ساختار

شعری وچه از نظر مفاهیم اسطوره ای و تاریخ باستانی ایران همچون گوهری تابناک می درخشد. توجه پارسی زبانان به این منظومه حماسی باعث شده است تا کستان دیگری نیز به تقلید از او منظومه هایی به نام شاهنامه و با شاهنامه بسرایند. شاهنامه نادری اثر میرزا صادق تفرشی و شهنشاهنامه صبا سروده فتحعلی خان صبا، ملک الشعرا دربار فتحلی شاه قاجار در زمره این منظومه ها هستند. شهنشاهنامه صبا درباره جنگهای ایران در دوره فتحعلی شا و به ویژه در مورد جنگهای دوره یکم ایران و روس شده است. از آنجا که بررسی این سروده می تواند نمایانگر بخشی از نگرش رسمی دربار ایران به یکی از نخستین یورش های استعماری به این آب و خاک باشد، پرداختن به آن سودمن به نظر می رسد.

فتحعلی خان متخلص به صبا از بازماندگان امرای دنبلی آذربایجان است که نسب خود را با سی و یک یحیی بن خالد برمکی می رساند اگرچه تاریخ ولادتش معلوم نیست، اما مطابق اقوال تذکره نویسان، درکاشان به دنیا آمده و دوران کودکی را در همان جا سپری کرده است. و بعد از آموزشهای اولیه در سلک شاگردان صباحی بیدگلی - یکی از شاعران معاصر زندیه - درآمده و با توجه به ذوق و استعداد خود و تحت تأثیر اشعار استادش اقدام به سرودن اشعاری نموده است. وی به روزگار جوانی و به وساطت عم فاضل و شاعر خود به دربار فرمانروایان زندیه در شیراز راه یافته و اشعار زیادی در مدح امرای زند و به ویژه لطفعلی خان سروده است که قصیده لامیه او در مدح این شاه جوان از معروف ترین این سروده ها به شمار می رود.

با شکست و سپس قتل فتحعلی خان زند و حاکمیت آقای محمد خان قاجار بر ایران ، بسیاری از وابستگان دربار زندیه مورد غضب خواجه تاجدار واقع شدند. برخی به قتل رسیدند و بعضی نیز از ترس جان فراری شدند. فتحعلی خان صبا کاشانی یکی از این فراریان بود که از ترس جان دیوانی را که در مدح لطفعلی خان سروده بود از بین برده به هنگام حاکمیت باباخان (فتحعلی شاه بعد) در شیراز وی کم کم خود را به این خان قجری نزدیک کرد و بابا خان که خود طبع شعر داشت و از ملایمت رفتار برخوردار بود ، او را مورد حمایت خود قرارداد و در عزیمت به تهران برای جلوس بربخت شاهی این شاعر را

نیز ملتزم رکاب خود نمود. صبا در جشن تاجگذاری فتحعلی شاه قصیده‌غرایبی با مطلع زیر سرود:

در آفتاب کزان تازه شد زمین وزمان یکی به کاخ حمل شد یکی به گاه کیان

این قصیده سخت مورد پسند شاه واقع شد و در نتیجه کار صبا بالا گرفت به گونه‌ای که به اولقب ملک الشعرائی و عنوان خانی و منصب احتساب الملکی داده شد. حکومت قم و کاشان و کلید داری آستانه قم از دیگر مناصب او بود و سپس با سمت پیشخدمت و ندیم مخصوص شاه روانه دربار شد و تا سال مرگش -۱۳۳۸ قمری- در آنجا حضور داشت و پس از پنجاه و نه و یا شصت سال زندگانی در تهران بدرود حیات گفت. (۴)

از صبا به غیر از مثنوی شهنشاهنامه چند سروده دیگر به نامهای خداوندنامه، عبرت نامه، گلشن صبا و دیوان صبا به جای مانده است. تذکره نویسان در مورد تعداد ابیات اشعار او با اختلاف سخن گفته‌اند. رضاقلی خان در روضه الصفای ناصری مجموعه ابیات او را یکصد هزار بیت ذکر نموده (۵) و دیگری تعداد اشعار او را چهارصد هزار بیت گفته است (۶). علاوه بر این ادعا شده که مثنوی هفت پیکرو لیلی و مجنون او در سفری مفقود گردیده است. سخن سنجانی واز آن میان معاصران صبا، سبک و مکتب شعری او را ستوده و برای او به سبب بنیان نهادن مکتب جدید شعر و احیای نظم فارسی مقامی همچون رودکی و فردوسی قابل شده‌اند (۷). رضاقلی خان هدایت در تذکره ریاض العارفین در مورد مقام ادبی صبا می‌نویسد: ((... قرن هفتصد سال است که چنین سخن گستری در گیتی نیامده و سالهاست کسی دم از همسری وی نزده جمعی از ارباب انصاف مثنوی وی را بر مثنوی حکیم فردوسی ترجیح نهند.)) (۸)

فاضل خان گروسی هم او را به لحاظ شعری برتر از فردوسی دانسته (۹) و صاحب مجمع محمود هم او را در قصیده و مثنوی همپایه انوری و فردوسی خوانده است و نوشته: ((مراعتقاد این است که تا این پایه و مایه شاعری تا به امروز آشکار گردیده و در نهان آسمان نیز چنین صاحب قدرتی موجود نیست.)) (۱۰)

اگرچه صبا در سرودن انواع شعر و به ویژه قصیده سرایی توانا بوده و به لحاظ کثرت اشعار و حوصله سخن سرایی در میان شعرای قاجار کم نظیر است اما، به نظر می رسد نظرمعاصرانش درباره مقام شعری او تا حدی اغراق آمیز باشد. خود صبا نیز گویندگان همعصر خود را چیزی نشمرد و خود را ((پیمیرسخن)) نامیده و دیگران را در برابر خود چون ذره در مقابل آفتاب تصور نموده است:

شهریا را نظم را جزوزن باید نکته ای کرمک شبتاب درتاب و به تاب است آفتاب
دیگران را با وجود من وجودی مختفی است درسهانوری است تادر احتجاب است آفتاب
وی حتی خود را با فردوسی و انوری مقایسه کرده و خود را در بدیع بودن اشعارش بالاتر از آنها دانسته است:

دانای طوس و مرد ایبورد برسزای درباغ نظم آن دو، چوبیرکدیورم
درمعنی بدیع و به عزت مقدم در صورت بیان، گرازآنان مؤخرم (۱۱)
صباکار ستایشگری را به خصوص در مورد فتحعلی شاه از تمجید و تعظیم گذرانده
و واحد غلو و گزافه گویی جلو رفته به گونه ای که اوصافی مافوق بشری برای او قایل شده
است:

کس نظیر گوهرش در مخزن فطرت نیافت * این گهر آورده است آن مخزن مقفل کرده اند
آفتابیست کش انوار خدایی پرتو * آسمانیست کش آثار الهی محور
ابوالمظفر فتحعلی شه آنکه به حق * بود به بار خدایان بزرگ بار خدا
صفاتش مظهر ذات خدایی * به ذات او صفات کبریایی
جز شهنشاه روانیست از انک * هست از صورت و معنی به خداوند جناس (۱۲)

فتحعلی شاه نیز صبا را در برابر این همه ستایشها بی نصیب نمی گذاشته و جوایز و صلح های فراوانی به او بخشیده است. نویسه اند که فتحعلی شاه در برابر هربین از شهنشاهنامه که بالغ بر چهل هزار بیت تخمین زده شد، یک مثقال طلا به او بخشیده و در اینباره به صبا گفته است که محمود غزنوی به فردوسی وعده داد و عمل نکرد، اما ما بدون آنکه وعده ای داده باشیم وعده سلطان محمود را در مورد تو عمل کردیم. (۱۳)

گریبایدوف وزیرمختار روسیه هم در سفرنامه خود درخصوص صله بخشی فتحعلی شاه به صبا نوشته است: ((فتحعلی شاه شاعر که حدود شصت سال داردمردی است مؤدب و متواضع و خوش صورت ، آهسته سخن می گوید و دوست دارد که نقل حکایت کند. شاه به پاداش یک قصیده مشتی الماس دردهانش نهاد.)) (۱۴)

در مورد تعداد ابیات شهنشاهنامه بین تذکره نویسان اتفاق نظر وجود ندارد. رضاقلی خان هدایت در روضه الصفای ناصری (۱۵) و یحیی آرین پور در کتاب خود از صبا تا نیما، تعداد ابیات این منظومه را چهل هزار بیت ذکر می کنند. (۱۶) اما عده ای نیز تعداد ابیات آن هفتاد هزار بیت ذکر نموده اند. (۱۷) نسخه چاپ شده این سروده تنها حدود پنجهزار و پانصد بیت دارد. (۱۸) این سروده را فتحعلی شاه نامگذاری کرده است.

به نامش چو این نامه کردم تمام شهنشاهنامه شهش کرد نام

به فرمانش همایون نامه ای آراستم دلکش که از شاهنشاه دوران شهنشه تامه نام آن (۲۰)

تذکره نویسان، زمان سرودن این منظومه را هنگامی دانسته اند که صبا در رکاب فتحعلی شاه و در جنگهای دوره یکم ایران و روس عازم منطقه جنگی شده است. اینان اضافه نموده اند که در سال ۱۲۳۸ ه. ق فتحعلی شاده که برای شرکت در جنگ روانه آذربایجان شده بود، صبا را نیز با خود به این سفر برده است، اما وی به علت بیماری در چند فرسخی زنجان، ناچار شد به تهران برگردد و در همین بازگشت بود که از طرف شاه مأمور شد تا منظومه ای به وزن شاهنامه فردوسی و در مورد جنگهای ایران و روس به نظم درآورد. این تذکره نویسان همچنین نوشته اند که صبا این کار را در مدت سه سال به انجام رسانید. (۲۱) از آنجایی که دوره اول جنگها در همین سال ۱۲۲۸ ق. به پایان رسید و متعاقب آن عهدنامه ننگین گلستان به ایران تحمیل شد، می توانیم سال پایان سرودن شهنشاهنامه را ۱۲۳۱ ق. در نظر بگیریم و این بدان معناست که این منظومه همزمان با جنگ سروده نشده است. این منظومه که به گمان سراینده آن، حقیقت محض و تاریخ واقعی است، هیچگاه به روزها و سالهای وقوع حوادث اشاره نمی کند اما مضمون آن نشان می دهد که شاعر تنها حوادث سالهای آغازین جنگ را دنبال کرده و از پرداختن به حوادث سالهای

میانی و پایانی جنگ و از آن میان حوادث غم انگیز شکست سنگین و خفت بار دولت قاجار و تحمیل عهدنامه گلستان به ایران، خودداری کرده و کار را با بیان پیروزی سپاهیان ایران در چهارجبهه : گنجه ، خراسان ، ترکمنستان و سرزمین مجاور زودتر و بازگشت پیروزمندانه فتحعلی شاه از آذربایجان به تهران، ختم کرده است. مسلماً پرداختن به حوادث پایانی جنگ از اعتبار حماسی منظومه او می کاسته و اگر صبا این جنگ را تا آخرین لحظه و آخرین نتایج آن دنبال می نمود. منظومه حماسی او مبدل به مرثیه ای غم افزا می شد و تمام رشته های او در مورد مسائل همچون رویین تن بودن عباس میرزا پنبه می شد و شهنشاهنامه او برخلاف دیگر شاهنامه ها - که پایانش خوش است- پایانی خوش نمی یافت.

مضامین ابیات این سروده ها تنها به جنگهای ایران و روس محدود نشده، بلکه ابیات زیادی از آن به درگیریهای ایرانیان با افغانان، ترکمانان، حکام ترکستان و حکام شورشگر داخلی اختصاص دارد. صبا در شهنشاهنامه در نظر داشته تا یک حماسه ملی مبتنی بر واقعیت بسراید تا از این طریق اشعار فردوسی و نظامی از یادها و خاطره ها برود. او در سروده سخت به فردوسی و نظامی تاخته و اشعار آنها را ((پیغاره)) و قابل سرزنش دانسته است.

صبا از یک سوشاهنامه فردوسی و پنج گنج نظامی را مبتنی بر افسانه و داستان و آن هم در ستایش گبران و غیرمسلمانان دانسته و از سوی دیگر سروده خود را داستانی واقعی و در وصف پادشاه اسلام - فتحعلی شاه قاجار- معرفی نموده است.

سزد گر روانشان بود در فسوس	چه استاد گنجه چه دانای طوس
یکی نام پرویز را برکشید	که او نامه مصطفی را درید
یکی زنده کرد آیت زند را	ستایشگر آمد مغی چند را
نظامی که درگفته پهلوی	سزد گرد کند دعوی خسروی
به دوران بهرام سربرده رنج	به نامش برآراسته پنج گنج

شاعران و تذکره نویسان درباری قاجاری همچون رضاقلی خان هدایت، فاضل خان

گروسی و صاحب مجمع محمود ، سروده صبا را بر شاهنامه فردوسی ترجیح داده اند اما

گذشت زمان نشان داده که سروده صبا نه تنها با شاهنامه فردوسی قابل مقایسه نیست بلکه به لحاظ ادبی و تاریخی و مضامین حماسی و اسطوره‌ای به گرد آن هم نمی‌رسد. بهترین دلیل این ادعا، چگونگی چاپ این دو سروده است. شاهنامه فردوسی در ایران و خارج از ایران بارها و بارها و به زبانهای مختلف و در شمارگان بسیار زیاد به چاپ رسیده و هزاران مقاله به زبانهای مختلف درباره آن نوشته شده است و این درحالی است که شهنشاهنامه صبا تنها دو بار، آن هم نه در ایران بلکه در هندوستان و در شمارگان بسیار محدود به چاپ رسیده است. عبدالحسین زرین کوب درباره صبا و سروده او نوشته است:

((سراینده که خود ملک الشعراى دربار فتحعلی شاه و از ندیمان و خاصان او بوده با مبالغات شاعرانه تاریخ ممدوح خویش را نظم کرده و این نکته هم از اعتبار تاریخی کتاب کاسته و هم به ارزش ادبی آن چیزی نیفزوده است. گوینده با آنکه ممدوح وقهرمان کتاب خود را (جهاندار فتحعلی شاه ترک) و مرگ عم او آقا محمد خان را به عبارت (به خاک اندرافتاد افراسیاب) تعبیر کرده است به تقلید از فردوسی اخبار و روایات خود را (گزارش ز دهقان بسیاردان) فراموده است.)) (۲۳)

آرین پور نیز در مقایسه بین این دو منظومه، تقلید صرف صبا از فردوسی را باعث چشم پوشیدن او از حقایق دانسته و سروده او را چیزی جز یک مدیحه سر بسته ندانسته است. (۲۴) همانگونه که در این سروده عباس میرزا از رستم افسانه‌ای کوچکتر است، خود این سروده نیز از شاهنامه فردوسی حقیرتر است. صبا نه توان آن را داشته که مانند فردوسی عنان قلم را به تخیل بسپارد و نه خود را موظف می‌دانسته که مانند بیهقی کاملاً به درج حقایق اکتفا کند. به همین سبب اثر صبا نه از نظر حماسه‌سرایی ارزشمند است و نه به لحاظ تاریخنگاری. در این سروده عباس میرزا مثل اسفندیار رویین تن و مانند سهراب دارای قدرت فوق العاده است که زره می‌پوشد، کمان به دست می‌گیرد و با گرز و شمشیر به دشمن حمله می‌کند اما تاریخ حی و زنده فریاد می‌کشد که این کارها از عباس میرزا به دور بوده و باتوجه به کشیده شدن توپ و تفنگ به صحنه جنگ، شیوه نبرد تن به تن از بین رفته است. (۲۵)

گویا نزد صبا نیز در پایان عمرش به ناتوانی خود در رقابت با فردوسی پی برده است. مؤلف حدیقه الشعرا در این باره می نویسد:

((از قضیه رحلتش قصه عجیب دارم و آن ، آن است که چهار روز قبل از وفات خود ، روزی برادر وکسان و اولاد خود را خواسته ، صحبت از شعر در میان آورده و آنگاه یکی را گفت از خداوند نامه ام بخوان (پس) بخواند. بعد دیگری را گفت از شاهنشاهنامه پاره ای برخوان ، او نیز برخواند. پ از آن گفت شاهنامه فردوسی را هم بیاورید و بعضی از آن بخوانید. حاضر کرده ، گشودند و اتفاقاً اول صفحه اش این بیت بود:

شود کوه آهن چو دریای آب اگر بشنود نام افراسیاب

به محض شنیدن این شعر حالش دگرگون شد همانا دریافت تفاوت اشعار خود را با استاد. مبهوت ماند و حالت غشی بر او روی داد و دیگر تکلمی نکرد ... و بعد از چهار روز درگذشت.)) (۲۶)

این نویسنده در ادامه می افزاید: در هفتاد هزار بیت او اگر از مناقب آل رسول بگذری ... هفت بیت که یکی از سی هزار شاهنامه باشد نیست. (۲۷) این سروده به رغم این همه کاستی که درباره آن شمرده اند، باز هم یکی از منابع مفید عصر فتحعلی شاه است و می تواند تا حدی بیان کننده نظر و عقیده رسمی دربار ایران درباره همسایه شمالی و تحریکات نظامی آن باشد. صفحات اول این منظومه حمد و ثنای خداوند و نعت پیامبر (ص) و مدح علی (ع) است و بعد از آن ، مدح دویست بیتی فتحعلی شاه شروع می شود. بخش اصلی متن این عنوان را دارد : ((وقایع فتوحات خاقان الاعظم و قا آن الاکرام السلطان الغازی فتحعلی شاه قاجار و سرآغاز داستان محاربه با روس .)) خواب مشوش فتحعلی شاه و خیر آوردن ارمنیان از حمله روسیان دنباله مطلب است.

زارمن که ملکی است آراسته زرشک زمین آسمان کاسته
گروهی به درگاه شاه آمدند به درگاه شه داد خواه آمدند
به کفشان یکی نامه دردناک زجانهای سوزان زدلهای چاک
به تفلیس از در به ریو و فسوس سپاهی برآمد ز سالار روس

چو از کار تفلیس پرداختند سوی گنجه رایت برافراختند
 کزین بوم ویرانه بامی نماند که بومی تواند برآن نوحه خواند (۲۸)
 فتحعلی شاه بعد از شنیدن خبر حمله سپاه روس دگرگون می شود و می گوید:
 که از این سپس تخت زین آورم به جان رامش از دست کین آورم
 در ودشت بر تیغ و گرز آورم کوانرا به پولاد برز آورم (۲۹)
 وی بعد از جمع آوری لشکر زهر بوم و بر ماموریت مقابله با سپاه روس را به عباس
 میرزا می دهد.

زهر البرز که تا در ایروان کنی زخون چو دریای خزران روان
 گزیدم ز جنگ آوران سی هزار سپردم تورا ای نبرده سوار
 فرمانده اصلی سپاه روس در این تهاجم اشبخدر بود (۳۰) و دیگر سرداران روسی
 عبارت بودند از :

سران سپه دژ گو و شیرژن بلاد و اباشیف لشکر شکن
 کرهگین یل ، باکرستین گو به روسی سپه روزکین پیشرو
 اشپخدر بعد از رایزنی با سران سپاه روس به آنها می گوید که « بدین مرز آهسته
 باید چمید» چون « که دارند شیران به ایران کنام » و آنها را به هوشیاری در برابر سربازان
 کشور « آهنگر ضحاک کش » دعوت می کند. صبا در بیان قد و بالای عباس میرزا او را به
 تولی پسر چنگیز تشبیه می کند ولی در جای دیگر او را شبیه منوچهر و بیرزابل معرفی می
 نماید. این گونه توصیف ها یک نوع دوگانگی را در این سروده ایجاد نموده است. به
 عنوان مثال از یک سو ابن جنگ را نبرد ایرانیان و توانیان می داند و از سوی دیگر قهرمانان
 شهنشه نامه خود را به فرزند چنگیز - که در تازی ایران چهره ای خوشنام نیست - تشبیه
 می نماید. صبا در مورد تجاوزات روسها به عثمانی می آورد :

بسی آتش افروخته در به روم بسی سوخته روم را مرز و بوم (۳۱)
 اشاره به نحوه آرایش سپاه ایران از دیگر موارد توجه صبا است که نشان می
 دهد شیوه های جنگی ایرانیان همان شیوه های جنگی است هر دودت در حدود ۲۵۰۰ سال

پیش به آن اشاره کرده است. در عین حال در نخستین رویارویی روسها شکست می خورند. تلفات طرفین در این درگیری عبارت بود از :

زنهصد فزون گرد روسی به گرد در آمد و ز ایران کم از بیست مرد
این پیروزی ایرانیان را مغرور می کند و آنان جشن سرو شادمانی برپا می کنند:
سران را به مغز اندر آمد غرور گزیدند بردشت کین بزم و سور
نتیجه این غرور شکست ایرانیان در نبرد بعدی بود.

در جای جای این سروده تلاش می شود تا از فتحعلی شاه شخصیتی بسیار شجاع قهرمان ودلاور ارائه گردد اما واقعیت نشان می دهد که این پادشاه از ترس جان جرات نکرد از چمن سلطانیه و احیاناً حوالی رود ارس قدمی آن طرف تر بگذارد شاید ماجرای قتل آقا محمدخان در منطقه قفقازیه یکی از دلایلی باشد که فتحعلی شاه را از ورود به این منطقه باز داشته است.

از آنجاکه بیان دلایل اصلی شکست سپاه ایران در رویارویی با روسها در شهنشه نامه ممکن نبوده ، صبا مجبور می شود برای توجیه این شکست ها از خوابهای دیده و ندیده فتحعلی شاه - که ممکن است برخی از این خوابها ساخته ذهن خود شاعر باشد - کمک بگیرد. مثلاً او علت شکست ایرانیان را در یکی از نبردها، ربوده شدن نگین انگشتر فتحعلی شاه می داند که شاه در بیان یکی از خوابهای خود به آن اشاره کرده بود. (۳۲)

هنگامی که نوبت به رویارویی فتحعلی شاه با اشپخدر می رسد ، جنبه های حماسی و از سوی دیگر گزافه گوییها به اوج می رسد. مطابق مضمون ابیات ، این رویارویی نخستین و در واقع آخرین جنگی است که فتحعلی شاده شخصاً در آن حضور داشته باشد که البته در این مسئله نیز باید شک کرد و شاید شاه قاجار در این نبرد به صحنه درگیری نزدیکتر از سایر نبردها بوده است:

چون اشپخدر آن برز و بازویال که کرد بر وی بگردید حال
توانا تنش گشت لرزان چو بید همی ژاله بارید برشنبیلید
در نتیجه این نبرد:

زپولاد هندی زروسی هزار سرافتاده ده در عرصه کارزار
 هزیمت درآمد به روسی سپاه جهان برجهان بینشان شد سپاه
 صبا در باره عظمت این رویارویی می سراید :

بسی خوانده ام نام باستان بسی رانده ام خامه زین داستان
 ندیدم چو این این رزم کوشنده ای نه بشنیده گوش نیوشنده ای
 چنین ترکتازی بقنطاس روس نیامد زاسکندر فیلقوس

اگرچه روسها بعد از این شکست، شبانه و با راهنمایی « یک بدگهر گردناپاک
 چهر» شبیخونی به قلب سپاه ایران و به منظور قتل فتحعلی شاه می زند، با دادن ششصد
 کشته مجبور به عقب نشینی می شوند. فتحعلی شاه نیز بعد از این پیروزیها عزم پایتخت می
 کند:

پس آنکه به فیروزی و فرهی چنین رفت فرمان شاهنشهی
 به آهنگ ری بارگه برکشید درفش کیانی به اختر کشید
 به خون ریختن روزکی چند را گزیند جام می آکندرا

حکایت خیانت ابراهیم خلیل خان جوانشیر ، رهبر طایفه جوانشیر و حاکم منطقه
 قراباغ نیز در این سروده مورد توجه قرار گرفته است. خان جوانشیر به اغوای دخترکی
 ارمنی که جاسوس دست آموز روسیان بود آیین مسلمانیرا رها کرده و به کیش ترسایان
 درآمد و خود را به روسها فروخته بود. (۳۳)

به ناچار آن پیرگم کرده را ه به شوشی درآورد روسی سپاه
 به خود داده ره لشکرد روس را تپه کرده پوشیده ناموس را
 بروسیان روی فرسا شده زترس جهاندار ترسا شده

سرودن ساقی نامه ای در تهنیت نورو و ذکر دادخواهی رعایای خراسان از بیداد
 جماعت ترکمان و شکایت کرمانیان از طایفه افغان و فرستادن سپاهیانی به خراسان ، کرمان
 و گیلان از دیگر موضوعات شهنشه نامه است. صبا در ادامه حکایت، لشکرکشی امپراطور
 روس به ایران را به حکایت خربط و شاهین تشبیه می کند (۳۴) که باعث گرفتار شدن او

درمنجلابی خلاصی ناپذیر شده است. حرکت مجدد عباس میرزا و سپس فتحعلی شاه به سوی ارمنستان و متعاقب آن خیانت ابراهیم خلیل خان جوانشیر، مضامین ابیات بعدی را در برمی گیرد. توصیف خیمه و خرگاه و « سرداران سپاه نصرت همره» و تجهیزات سپاه ایران همچون زنبورک های «آتش فشان ثعبان نشان» در زمره این مضامین است:

به هر دم ز زنبور شعله بار چو تنین ز زنبور ودود و شرار
توگویی بسی سرخ زنبور تیز بجوشید با ازدها در ستیز
بخشی از سپاه ایران به فرماندهی «یل دامغان» اسماعیل بیگ دامغانی از پل خدا
آفرین گذشته و در آن سوی ارس در محلی به نام باغ جبرئیل با روسها رویاروی شدند.
چو ز آهنگ هم آگهی یافتند به کین خواستن رایت افروختند
زیال ینارال جوشید خون شده خوک پیکردرفشش نگون
فکندند سرهای روسی به خاک تن افتاده برخاکشان چاک چاک
در نبرد بعدی سپاه ایران و روس در منطقه عسکران و در پای قلعه شوشی با
یکدیگر روبه رو شدند:

یل دامغان و ابوالفتح خان چوپیل دمان و چو شیرژیان
نهادند بر لشکر روس تیغ بریدند سرشان همه بی دریغ
ز آهنگ شیران به هامون کوه پراکنده گشتند روسی گروه
عباس میرزا در رویارویی دیگر، آهنگ حمله به بوالکونیک از سرداران روسی را

دارد:

آهنگ نورد آن شرزه شیر بر آراست لشکر کهن گرگ پیر
زدژخیم خوبان عقوبت داد زیک مادر وده پدرشان نژاد
به آهنگ آن گوششان صلح و جنگ نه آگه ز نام ونه دانا ز ننگ

این شاهزاده مطابق سروده صبا ابتدا از بولکونیک تقاضای جنگ تن به تن می کند
اما بولکونیک، به جای خود گزاروند را راهی میدان نبرد تن به تن با عباس میرزا می کند.
عباس میرزا در این رویارویی انفرادی :

عنان تکاور بیچید و راند ز زین تکاور به خاکش کشاند
 به خنجر جگرگاه او چاک کرد جهان پاک از آن دیو ناپاک کرد
 عباس میرزا پس از قتل گژاوندبا شنکاوہ برادر پرخاشجوی او نیز رویارو می شود
 و او را نیز به دنبال برادرش می فرستد:

فرو کوفت آن گرز گاوسر ابرتارک مرد پرخاشگر
 ز تن سربریدش به شمشیرکین به جانش آفرین خواند کین آفرین
 بولکونیک بعد از قضایا دستور حمله عمومی صادر می کند و خود نیز با عباس
 میرزا درگیر می شود اما عباس میرزا :

چنان برسپرکوفت گرزیش سخت که آن آهنین چرخ شد لخت لخت
 ملکزاده چون دیدکان جنگجوی به یک زخم کوپال پیچید روی
 هم از نیمه گرد خسرو نژاد یکی چارپر ناوکش برگشاد
 به تن آهنین جوشنش بردرید یکی زخم کاری از آتش رسید

سرانجام بولکونیک با تنی رنجور از مقابل سپاه ایران می گریزد. عنوان بعدی این
 سروده «آهنگ عباس شاه غازی از راه کوهسار قزاق به جانب ایروان و جنگهای فراوان با
 گراویچ روسی که به یاری اشپخدر از تفلیس به گنجه می رفت» است. صبا که در سرتاسر
 این سروده مترصد فرصتی است تا داستان خود را در قالب مضامین شاهنامه فردوسی
 بریزد، در این بخش نیز از فرصت استفاده می کند و مسیر حرکت عباس میرزا از کوهسار به
 جانب ایروان را به لحاظ سختی مسیر حرکتبه هفت خوان تشبیه و تقسیم می کند با این
 تفاوت که رستم با آن همه شجاعت و با آن یال و کوپال و گرز چهل منی و مرکی همچون
 رخس نتوانست از همه خوانها عبور کند و درخوان هفتم از پادرامد اما قهرمان شهنشه نامه -
 عباس میرزا - با شجاعت تمام این هفت خوان را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت
 هفت خوانی که :

ره هفت خوانش یکی جاده بود زخون سنگ آن لعل و بیچاره بود.

خوان هایی که صبا در مورد این مسیر لشکرکشی عباس میرزا بر می شمارد به قرار

ذیل است:

خوان اول : وجود شیران درنده :

به هربیشمه اش هول وهرای شیر برآورد از شیرگردون نفیر

خوان دوم: گیاهان مزاحم :

گیاهش همه گرزه مارشکنج نه ماری کزان باشد آینه رنج

خوان سوم: سنگها سخت و تیز:

زخون مسافر به هر جاده سنگ درآن کوه بیجاده بیجاده رنگ

خوان چهارم : وجود راهزنان

به هر راه آه در کمین رهزنی به هر هنگش آهنگ چرخ افکنی

خوان پنجم : غولان و دیوان :

به هر دره از نای غولا غریو به هربیشمه بنگاه پتیاره دیو

خوان ششم : آب تلخ کشنده :

چو پیچیده بینش غرنده نهر گوارنده آبش گزاینده زهر

خوان هفتم : درختان شاخ درشاخ :

درختانش را شاخ درشاخ هم به کردار نر ازدهای دژم

با وجود این هفت خوان « جهاندارکی » - عباس میرزا - بعد از عبور از آنها به

سرزمینی خرم پرگل و سبزه می رسد . سرزمینی که :

زانبوهی لاله رنگ رنگ زمین خال خالش چو پشت پلنگ

در رسیدن به این سرزمین خیر می رسد «که روسی پلنگان جنگی هزار » ب

سپهداری گراویچ به سوی گنجه حرکت کرده اند . روسهایی که :

بداندیش و خونخوار و ناپاکزاد گرانجان و بی مغز و خاکی نهاد

به فرمان اشپخدر جنگجوی به تفلیس زی گنجه آورده رو

زدنباله لشکر شهریار یکایکا زبیشه شدند آشکار

به کردار جنگی گرازان به گاز به ایرانیان جنگ کردند ساز
عباس میرزا خود و سپاهیان را برای رویارویی آماده کرد و :
به فرمانش مردان لشکرشکن نشستند برچرمه گام زن
زشش سویلان تیغها آختند تکاور برآن روسیان تاختند
گراویچ آنکه شد اگه زکار که یک زخم تیغش دو را کرد چهار
دولشکر چو گرگان دزخیم خوی فتادند یک بر دگر از دو سوی
بعد از قتل گراویچ « شکت اندرآمد به دیوان روس » و ایرانیان نیز « زدنال ترکان
دزخیم خوی » آنها را تعقیب وتار ومار کردند. اشپخدر بعد از آگاهی از این شکست و
دیگر شکستهای روسها اینگونه از شجاعت ایرانیان سخن گفت:

دم ازدها در سپردان به کام به بنگاه شیران گزیدن کنام
دریدن به کهسار چرم پلنگ به دریا شدن در به کام نهنگ
گرفتن به تک بیشی از آسمان نهادن به زنجیر پای زمان
بسی آسانتر از یاد ایران زمین که یادش بود دشنه زهرگین
صبا بعد از ذکر این درگیریها ، دل و قلم را روانه درگاه فتحعلی شاه می کند شاهی
که :

زشش سوی ناوردبا روس داشت ولی تخت درتخت طاووس داشت.(۳۷)
در یکی از روزها «بردگاه شهریار» « زیپروزی آمد نوندی چهار» این چهار فتح
نامه از عباس میرزا ، شاهزاده محمد ولی خان حاکم خراسان ، میرزا موسی منجم باشی
فرمانده لشکرایران درگیلاس واسماعیل پیک دامغانی از ساحل رود ترتر بود که همزمان با
هم به دست فتحعلی شاه رسید.
عباس میرزا درفتح نامه خود از نجات دادن مسلمانان گنجه از چنگ «ارس»
وکوچانیدن مردم گنجه به سوی ایراوان وعبور از هفت خوان و قتل گراویچ سخن می
گوید:

گراویچه روسی ابانای وکوس هزارش زپی زردمویان روس

زتفلیس زی گنجه آهنگ داشت به گردن ایران سرچنگ داشت
 در آن ره به بخت جهان شهریار بدین چاکراستین شد دوچار
 همه لشکرش را به هم برزدم یکی تیغ هندیش برسرزدم
 به فر بلند اختر شهریار برآوردم از گرز ماران مار
 شاهزاده محمد ولی خان نیز در فتح نامه خوداز شکست سنگین ترکمانان تکه به
 وسیله حسین قاجار خبر می دهد:

به نیروی شاهنشاه نیک بخت به ترکان شکستی درافتاد سخت
 زترکان به نیروی شاهنشاهی نه خرگاه به جا ماند ونه خرگهی
 همه مردشان کشته دردشت جنگ همه زن گرفتار در پالهنگ
 میرزا موسی منجم باشی هم دربار حمله کشتی های روسی به فرماندهی اباشیف
 برای اشغال گیلان و درگیریهای ایرانیان با آنها وشکست آنها گزارشی تقدیم حضورشاه می
 نماید:

وزانسو زمرداب سالارروس به آهنگ دیلم فروکوفت کوس
 به یکبار شیر اوژنان از دو سوی به روسی دلیران نهادند روی
 در آن بیشه گردان چو شیر و پلنگ به هم درفتاده به دندان و چنگ
 درآویخت گردی درآن رزمگاه تشیف دلاور به نیروی شاه
 زسیصد فرون روسی پرگزند سراز تن بریدم چون گوسفند
 آخرین وچهارمین فتح نامه از سوی اسماعیل پیک دامغانی و از جانب رود تترمی
 رسد که اشپخدر را بعد از محاصره ، مجبور به فرار و فتح را نصیب سپاه ایران کرده بود.

زمین داورا ، آسمان کشور ا بلند اخترا ، آفتاب افسرا
 چودرعسگران پور دارای نبو شد آگه زمنشور کیهان خدیو
 چنین داد فرمان کزاید سپاه برآن سوی اشپخدر کینه خواه
 زترکان جنگی درآن کوه ودشت فرو بند بردی ره بازگشت
 کشیدم سپاهی در آن کوه و در به تازی نژاد و به هامون سپر

ابا چیر مردان ایران سپاه	انوشه به هم درنوشتیم راه
به آهنگ آن گرگ ناپاک کیش	چو درنده گرگان به آهنگ میش
چو آگه شد آن روسی جنگجو	که جویند ایران سپه جنگ او
زد از رود بردامن کوه جنگ	برآراست مطریسی از روس سنگ
زپی شیرمردان ایران دلیر	به آهنگ گوران دلاور چو شیر
به تخت چو روین تن اسفندیار	گشادیم روین دژ کوهسار
بسان پلنگان در آن کوه و در	زگرگان روسی فکندیم سر
شب تیره آن جادوی نابکار	سوی گنجه رفت از ره کوهسار

باری ، فتحعلی شاه بعد از دریافت این فتح نامه ها ، برای هریک از چهار سردار خود پاسخ مناسبی می فرستد، وعباس میرزا را به تبریز فرا می خواند ، اسماعیل بیک را مأمور لشکرکشی به «صحرا ارمن» می کند، برای حاکم خراسان خلعت و پول می فرستد، خراج یکساله گیلانیان را می بخشد و خود نیز به سوی تهران حرکت می کند و بدین گونه شرح حکایت جنگهای ایران و روس در شهشه نامه به پایان می رسد . حوادث ذکر شده در این سروده تنها دربرگیرنده نخستین مرحله جنگهای دوره اول ایران و روس از ۱۲۱۸ تا ۱۲۲۰ قمری استکه حتی بخشهای پایانی این مرحله رانیز شامل نمی شود، چراکه در پایان این مرحله بود که اشپخدر یا سیسیانف فرمانروای روسیان در باکو به قتل رسید و اگر صبا حوادث را کمی بیشتر تعقیب می کرد و به داستان قتل سیسیانف می رسید شاید برجنبه حماسی شهشه نامه اش بیشتر می افزود. به هر حال صبا با خیز این پیروزی ها چهارگانه و توصیف جشنهای پیروزی که به دستور فتحعلی شاه در سراسر ایران برگزار شده بود ، شهشه نامه را با پایانی خوشتر از شاهنامه به پایان می رساند . مسلماً اگر صبا ادامه حکایت غم انگیز این جنگ را که خود نیز شاهد آن بوده ، توصیف می کرد نه تنها شهشه نامه اش پایانی خوش نمی داشت، بلکه مبدل به مرثیه ای غم انگیز و دردآور می شد.(۳۸)

یادداشت ها :

- ۱-فتحعلی خان صبا . گلشن صبا (مجموعه اشعار) ، با مقدمه ملک الشعراى بهار ، به کوشش ح. کوهی کرمانی ، تهران : بینا . ۱۳۱۲ خورشیدی ، ص ۵
- ۲-یحیی آرین پور . از صبا تا نیما (تاریخ ۱۵۰ سالیه ادب فارسی) ، تهران : کتابهای جیبی ، ۱۲۵۴ خورشیدی ، جلد اول ، ص ۲۰
- ۳-فتحعلی خان صبا . دیوان اشعار صبا ، به تصحیح واهتمام محمد علی نجاتی . تهران:اقبال ، ۱۳۴۱ خورشیدی ، ص ۵۳ و ۵۴
- این قصیده در مجموع ۷۴ بیت داشته که بعد از قتل لطفعلی خان زند با مختصر تغییراتی مبدل به مدح فتحعلی شاه قاجار شده است . برای اطلاع بیشتر از چگونگی تغییر و تحول این قصیده : ابراهیم صفایی ، «فتحعلی خان صبا» ارمغان ، دوره ۳۲ ، شماره ۵ و ۶ ، ص ۱۶۷
- ۴-آرین پور ، همان جا ، ص ۲۲
- ۵-رضا قلی خان هدایت . تاریخ روضه الصفاى ناصری . تهران : بی تا ، ۱۳۳۹ خورشیدی ، جلد ۹ ، ص ۳۴۲
- ۶-فتحعلی خان صبا . دیوان اشعار ، ص ۳۵ و ۳۶
- ۷-مهدی حمیدی . شعر در عصر قاجار . تهران : گنج کتاب ، ۱۳۶۴ خورشیدی ، ص ۱۹
- ۸-رضا قلی خان هدایت . تذکره ریاض العارفین . تهران : کتابخانه مهديه ، ۱۳۱۶ خورشیدی ، ص ۴۵۸ و ۴۵۹
- ۹-مجله یادگار ، سال پنجم ، شماره اول و دوم ، ص ۱۴۴
- ۱۰-فتحعلی خان صبا . دیوان اشعار ، ص ۲۸
- ۱۱-حمیدی ، همان جا . ص ۲۰
- ۱۲-فتحعلی خان صبا . دیوان اشعار ، ص ۱۲ ، ۱۱۱ ، ۷۶۸ ، ۲۳۷ ، ۱۵۲
- ۱۳-همان جا ص ۳۶

۱۴- آراین پور ، همان جا ، ص ۲۲ ، به نقل از کلیات گریبایدوف ، لنینگراد : ۱۹۴۵

میلادی.

۱۵- رضا قلی خان هدایت . تاریخ روضه الصفای ج ۹ ، ص ۳۸۴

۱۶- آراین پور ، همان جا ، ص ۲۲.

۱۷- همان جا ، ص ۲۳ . در تذکره اختر تعداد ابیات این سروده ۳۰ هزار بیت و

درسفینه محمود ۴۰ هزار بیت ذکر شده است. به نقل از : سیداحمد دیوان بیگی شیرازی ،

خلیفه الشعرا ، با تصحیح و تکمیل و تحشیه دکتر عبدالحسین نوایی تهران : زرین ، ۱۳۶۴ ،

جلد دوم ، ص ۹۷۰ ، ۹۷۱

۱۸- متأسفانه دستیابی به نسخه خطی این سروده برای تعیین تعداد ابیات آن و

مقایسه آن با نسخه چاپ سنگی مقدور نشد.

۱۹- فتحعلی خان صبای کاشانی . شهنشه نامه . به اهتمام میرزا محمد شیرازی ملک

الکتاب ، بمبئی ، بی نا ، ۱۸۹۰ میلادی ، ص ۴

۲۰- حمیدی ، همان جا ، ص ۲۶ و ۲۷

۲۱- آراین پور ، همان جا . ص ۲۲

۲۲- صبای کاشانی . شهنشه نامه . ص ۸۰ و ۸۱

۲۳- عبدالحسین زرین کوب ، تاریخ ایران بعد از اسلام . تهران : امیرکبیر ، ۱۳۶۴

ص ۱۲۱

۲۴- آراین پور همان جا ، ص ۲۴

۲۵- حمیدی ، همان جا و ص ۲۸ و ۲۹

۲۶- دیوان بیگی شیرازی . حدیقه الشعرا ، جلد دوم ، ص ۹۷۰ و ۹۸۰

۲۷- همان جا ، همان صفحات

۲۸- مضمون این ابیات در واقع اشاره ای به حمله سیسیانف سردار روسی در سال

۱۲۱۷ قمری به گرجستان است که سرآغاز جنگهای دوره یکم ایران و روس است.

۲۹- اشعاری مشابه این ابیات را نیز از زبان فتحعلی شاه و در ضمن آگاه شدن از حمله پاسکوویچ در جریان جنگهای دوره دوم ایران و روس ، نقل کرده اند. ابیات زیر نمونه ای از آنهاست.

کشم شمشیر مینایی که شیر از بیشه بگریزد

زنم برفرق بسکوویچ که دود از پطر برخیزد

به نقل از عبدالله مستوفی ؛ شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی واداری دوره

قاجار، تهران : زوار ، ۱۳۴۳ ، ج ۱ ، ص ۳۳

۳۰- منظور از اشپخدر همان دیمترتویچ تیستیانف (سیسیانف) ، تولد ۱۷۵۴ ، قتل

۱۸۰۶م ، شاهزاده گرجی و فرمانروای نیروهای روسی در قفقازیه بود که در پشت دیوارهای

باکو به دست ایرانیان به قتل رسید. اشپخدر راتحریف شده کلمه روسی ایسپکتور به معنای

بازرس دانسته اند.

۳۱- منظور از روم در این ابیات ، کشور عثمانی است که درجنگهای متعدد

شکستهای سخت را از روسیان متحمل شده بود.

۳۲- در این خواب شاهانه آقا محمد خان علی شکست سپاه ایران را برای فتحعلی

شاه اینگونه توضیح میدهد .

نگنیم که بودی درانگشت تو وزان گردش چرخ درمشت تو

ربود از تو اهریمنی ریمنش درانگشت خود کرد اهریمنش

صبا درابیات بعدی توضیح می دهد این اهریمن ، همان روسها هستند :

که ناپاکزادند و اهریمنند چونستوه اهریمنان ریمنند

۳۳- محمد صادق وقایع نگار مروزی درخاطرات خود از جنگ یک ایران و روس

که به نام آهنگ سروش یا تاریخ جنگهای ایران و روس به چاپ رسیده درمورد علت به

کیش ترسایان درآمدن ابراهیم خلیل خان جوانشیر و همکاری او با روسها مسئله دل بستگی

او به دختری ارمنی به نام لکورا را که جاسوس روسها بوده، مطرح می کند. این دختر با

راهنمایی کشیش قراباغ بعد از دلربایی از آن پیرهفتاد ساله دوشرط را برای ازدواج خود با

حاکم قراباغ طرح می کند یکی مسیحی شدن ابراهیم خلیل خان و دیگری سازش او با روسها که البته هردو شرط مقبول می افتد و ضرب المثل : عشق پیری گربنجد سربه رسوایی زند ، مصداق پیدا می کند و این حاکم به شاه ایران خیانت می کند برای اطلاع بیشتر از این داستان ر.ک : محمد صادق وقایع نگار مرزی . آهنگ سروش باتاریخ جنگهای ایران و روس . به کوشش امیرحسین آذر ، تهران : ۱۳۶۹ ، ص ۱۰۴ تا ۱۱۰

۳۴- حکایت خربط (غاز) و شاهین بدین گونه است که خربط چون شکار کبک توسط شاهین را می بیند خود سرزنش می کند که چرا تو دنبال کبک نیستی فقط قورباغه شکار می کنی ولذا به دنبال کبی روان می شود و در خلابی گرفتار وپایش بسته می شود.
۳۵- با آن که میدان جنگ صحنه کاربرد توپ و تفنگ است، باز هم صبا به گرز و سپر که در این جنگ کاربردی نداشته می پردازد.

۳۶- برخلاف بقیه خوان ها که می توان وجود آنها را به لحاظ موانع طبیعی توجیه کرد، این خوان پنجم که در برگیرنده غولان و دیوان است نمی تواند توجیه منطقی داشته باشد.

۳۷- تخت طاووس مکانی است بین رود ارس و قلعه پناه آباد (شوشی) . این مکان در ۵۰ کیلومتری جنوب قلعه شوشی واقع شده است.

۳۸- شاید صبا ادامه حکایت را نیز سروده باشد اما چون ملاک ما در بررسی شهنشه نامه، نسخه چاپی آن است، نمی توانیم اظهار نظر دیگری در این مورد بنماییم.